

# دهخدا

## فرهنگ ساز ملی

سید حسن امین



### ۱- درآمد

دهخدا یکی از مفاخر ملی ایران در سده‌ی اخیر است. آنچه نام او را جاودان کرده است، اولاً، خدمت شگرف او در فرهنگ‌سازی و دایرة‌المعارف‌نگاری است و ثانیاً، صداقت مدنی و تقوای سیاسی‌اش. این است که به راستی عنوان «فرهنگ‌ساز ملی» برازنده‌ی دهخداست. او در «وصیت‌نامه‌اش» در آبان ۱۳۳۳ نوشت: «به ورثه‌ی خود وصیت می‌کنم که تمام فیش‌های چاپ نشده‌ی لغت‌نامه را که ظاهراً بیش از یک میلیون است... به عزیزترین دوستان من، آقای دکتر معین بدهند که مثل سابق به چاپ برسد...» چنین است که شماره‌ی مهر و آبان **ایران مهر** را به یاد دهخدا زینت می‌دهیم.

### ۲- نقش محوری فرهنگ سازان

از میان چهره‌های فرهنگ‌ساز ایران پس از مشروطیت، بعضی چهره‌ها نقش محوری دارند. برای مثال، علی‌اکبر دهخدا و دکتر محمد معین در زمینه‌ی لغت‌نویسی، ملک‌الشعرای بهار و نیما در زمینه‌ی شعر، جمال‌زاده و صادق هدایت در زمینه‌ی داستان‌نویسی، محمد قزوینی، سیدحسن تقی‌زاده، محمدعلی فروغی و بدیع‌الزمان فروزانفر در زمینه‌ی تحقیقات ادبی، حسن پیرنیا در تاریخ ایران باستان، عباس اقبال در زمینه‌ی تاریخ پس از اسلام، ابراهیم پورداود در زمینه‌ی زبان‌ها و فرهنگ ایران باستان، دکتر غلامحسین مصاحب در زمینه‌ی دایرة‌المعارف‌نگاری، دکتر قاسم غنی در زمینه‌ی تاریخ تصوف، ذبیح‌الله صفا در زمینه‌ی تاریخ ادبیات فارسی، سید حسن امامی در زمینه‌ی حقوق مدنی، علامه طباطبایی در زمینه‌ی تفسیر قرآن، دکتر علی شریعتی در زمینه‌ی بیدارگری دینی و... هر کدام از این چهره‌ها خدمتی بزرگ به این مملکت کرده‌اند، اما تنها معدودی از میان ایشان را می‌توان به صفت «فرهنگ‌ساز ملی» وصف کرد و مناسب‌ترین کسی که این عنوان را در خور است، همانا دهخداست.

### ۳- فرهنگ‌سازان چند بُعدی

از میان فرهنگ‌سازان، دهخدا و بهار چندبُعدی‌ترین این شخصیت‌های ملی‌اند. باز اگرچه دهخدا و بهار هر دو در شعر و نثر، سیاست‌ورزی و مبارزات سیاسی، پژوهش‌های ادبی و تصحیح متون اشتراک دارند، در مقام مقایسه کفهی چندبُعدی بودن دهخدا بر بهار می‌چربد. لذا اگر ما دهخدا را چند بُعدی‌ترین چهره‌ی ملی در میان استادان هم نسل او بدانیم، به راه خطا نرفته‌ایم.

چند بُعدی بودن دهخدا با نگاهی کوتاه به احوال و آثار او روشن می‌شود: سردبیری صور اسرافیل در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری، مشارکت در فعالیت سیاسی در عصر مشروطیت و پشتیبانی از دکتر مصدق در نهضت ملی کردن صنعت نفت در زمینه‌ی مبارزه‌ی سیاسی، تدوین لغت‌نامه در زمینه‌ی دایرة‌المعارف‌نگاری، تدوین امثال و حکم، فرهنگ فرانسه - فارسی از یک سوی و تصحیح لغت فرس اسدی و صحاح الفرس از سوی دیگر در زمینه‌ی زبان‌شناسی؛ تعلیق‌نویسی و تصحیح چندین دیوان شعر (حافظ، ناصر خسرو، سیدحسن غزنوی، منوچهری، مسعود سعد سلمان، سوزنی سمرقندی و ابن یمین) در زمینه‌ی ادبیات منظوم فارسی، خدماتی در برگرداندن آثار از فرانسه به فارسی در زمینه‌ی ترجمه، چرند و پرند در زمینه‌ی طنز سیاسی و سرانجام اشعار او در زمینه‌ی هنر شاعری، درباره‌ی بُعد لغت‌نویسی و دایرة‌المعارف‌نگاری دهخدا سخن بسیار گفته‌اند، اما از شعر و شاعری او کمتر سخن رفته است و این مختصر هم تنها اشاراتی بدین مقوله‌ها بیشتر نتواند بود.

### ۴- تعارض تحقیق و شعر؟

جمعی از فرهنگ‌گوران ایرانی می‌گویند که: «شاعران را قدرت تحقیق نیست.» به همین دلیل، محققان قدر اول معاصر، مانند دهخدا، فروزانفر و پورداود از این که به شاعری مشتہر شوند، پرهیز داشتند. اشتہار دهخدا همچنان که همگان می‌دانند به تدوین لغت‌نامه و گردآوری امثال و حکم است. بی‌گمان خوانندگان فرهیخته‌ی مجله‌ای چون **ایران مهر** خود از خدمات دهخدا در زمینه‌های تخصصی او، نیک، آگاهی دارند و نیز اهل قلم پیش از این هر یک به سهم خود به حد کافی در این زمینه، داد سخن داده‌اند. پس مرا فرصتی خواهد بود که به بعدی دیگر از ابعاد فرهنگی دهخدا بپردازم و آن عبارت است از شعر و شاعری او، چرا که بیم آن می‌رود که اگر کسی به شعر و شاعری دهخدا به دیده‌ی تحقیق

دوره‌ی جدید - شماره‌ی ۲ و ۳ - مهر و آبان ۱۳۸۲





## یاد آرزو شمع مرده یاد آر

ای مرغ سحر چون این شب تار  
بگذاشت ز سر سیاهکاری  
وز نفخه روح بخش اسرار  
رفت از سر خفتگان خماری  
بگشود گره ز زلف زرتار  
محبوبه‌ی نیلگون غماری  
بزدان به کمال شد پدیدار  
و اهریمن زشت خو حصاری  
یاد آرزو شمع مرده یاد آر

ای مونس یوسف اندرین بندا  
تعبیر عیان چو شد تو را خواب  
دل بر ز شمع لب از شکر خند  
مخسود عدو به گام اصحاب  
رفتی بر یار و خویش و پیوند  
آزادتر از نسیم و مهتاب  
زان کو همه‌ی شام با تو یک چند  
در آرزوی وصال احباب  
اختر به سحر شمرده، یاد آرا

چون باغ شود دوباره خرم  
ای بلبل مستمند مسکینا  
وز سنبل و سوری و سپرغم  
افساق، نگار خانسه‌ی چین  
گل سرخ و به رخ عرق ز شبنم  
تو داده ز کف زمام تمکین  
زان نوگل پیش‌رس که در غم  
ناداده به نار شوق تسکین  
از سردی دی فسرده، یاد آرا

ای هم‌ره تپه پور عمران  
بگذشت چو این سنین معدود  
وان شاهد نغز بزم عرفان  
بتمود چو وعد خویش مشهود  
وز مذبح زر چو شد به کیوان  
هر صبح شمیم غنبر و عود  
زان کو به گناه قوم نادان  
در حسرت روی ارض موعود  
بر بادیه جان سپرده، یاد آرا

چون گشت ز نو زمانه آباد  
ای کودک دوره‌ی طلائی  
وز طاعت بندگان خود شاد  
بگرفت ز سر خدا خدایی  
نه رسم ارم نه اسم شداد  
گل بست زبان زازخایی  
زان کس که ز نوک تیغ جلا  
ماخود به جرم حق ستایی  
تسنیم وصال خورده یاد آرا

نگردد، اعتبار و اشتها استاد در زمینه‌ی دایره‌المعارف نگاری، این بعد مهم از هویت ادبی او را به طاق نسیان بسپارد.

آری، اشتها و اعتبار علمی دهخدا موجب آن شده است که دیگر امروز کمتر کسی از او به‌عنوان شاعر یاد کند. البته خود دهخدا نیز از این که به‌عنوان شاعر در یادها نماند، چندان احساس غمینی نداشت. دهخدا به تصریح معین، خود را شاعر نمی‌خواند و گاه نیز می‌گفت: «شاید بتوان مرا شاعر مقل خواند.» (معین، ۱۳۳۵، ص ۳۰۱).

### ۵- شعر دهخدا

دهخدا در شعر فارسی از چند جهت حائز اهمیت است. اول این که او پس از عبید زاکانی از بهترین طنز سرایان ادب منظوم فارسی است و ثانیاً این که وی رگه‌های دست‌نخورده‌ای از بیان و مفهوم را با خلاقیت شاعرانه در زبان فارسی کشف کرده است. دهخدا، در شعر دو مرحله‌ی مختلف را پشت سر گذرانده است:

- یکم - شعرهایی به سبک تازه که آمیزه‌ای از تعبیرات نو با فرهنگ عامه بود و پیامی روشن برای عامه‌ی مردم داشت، مثل این شعرها:
- ۱- مردود خدا رانده‌ی هر بنده آکبلای
  - ۲- خاک به سرم بچخه به هوش آمده
  - ۳- وصال‌حال لوطیانه
  - ۴- مشتی اسمال

بداعت و نوآوری دهخدا در اشعار جدی او نیز راه یافته و برای مثال شعر «یاد آرزو شمع مرده یاد آر»، تحت تأثیر شعر اروپایی از طرح و اسلوب تازه‌ای برخوردار است. دهخدا در این نوع شعر، آغازگر تحولی عمیق مخصوصاً از جهت سودجویی از قصه‌های عامیانه و فرهنگ کوچه بود، ولی مهم‌تر از آن جهان‌بینی روشنفکرانه‌ی شاعر و موضع‌گیری انقلابی او و رسالت ملی و میهنی‌اش در این اشعار بود. این اشعار همه دارای پیام‌های سیاسی و اجتماعی است. نوع و نوآوری دهخدا در همین‌گونه شعرهای طنز و جدی اوست.

دوم - شعرهای ادیبانه که دهخدا آن‌ها را به اقتفاء و اقتدای شاعران کلاسیک سروده است. این اشعار هم بر دو دسته‌اند: بعضی از چنان جزالت و روانی برخوردار است که با اشعار قدما پهلوی می‌زند، مانند غزل دهخدا با مطلع «ای مردم آزاده! کجایی؟ کجایی؟» که به استقبال از غزل مولوی به مطلع زیر ساخته شده است:

ای قوم به حج رفته! کجایی؟ کجایی؟

معشوق همین جاست، بیایید، بیایید!

بخشی دیگر که دهخدا به جهت اصرار در به کار گرفتن لغات مهجور یا امثال و حکم قدیم

به تکلف نزدیک شده و دچار تعقید شده است.

شعر دهخدا - البته - در طنز سیاسی به پای نثر نمی‌رسد و نثرش البته نسبت به دایره‌المعارف نگاری‌اش کم‌اهمیت‌تر بود. اما در عین حال، شعر دهخدا هم از جهت قالب و هم از جهت موضوع - به‌ویژه از جهت تعهد و رسالتی که داشت - در تحول شعر فارسی - مخصوصاً اشعار بخش اول عمرش همچون «یاد آرزو شمع مرده یاد آر» - مؤثر بود.